

## به مناسبت اول ماه می، روز جهانی کارگر

اول ماه می، روز همبستگی انترناسیونالیستی طبقه کارگر، بازتاب مبارزات دوامدار و خونین زحمتکشان جهان علیه استثمار، ستم و نظم کهنه امپریالیستی-سرمایه‌داری است. این روز، نه تنها یادبود گذشته پرافتخار پرولتاریا، بلکه فراخوانی است برای تشدید مبارزه طبقاتی و پیشبرد وظایف انقلابی در اوضاع مشخص کنونی.

در سطح جهانی، نظام امپریالیستی در بحران عمیق و همه‌جانبه خویش فرو رفته است. تضاد میان کار و سرمایه، میان خلق‌های تحت ستم و امپریالیسم، و نیز میان خود قدرت‌های امپریالیستی، بیش از پیش تشدید یافته است. جنگ‌های نیابتی و مستقیم، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم، بیکاری و فقر گسترده، بیانگر آن است که این نظام پوسیده دیگر توان مهار تناقضات درونی خویش را ندارد. در چنین شرایطی، احزاب و نیروهای مائوئیستی در سطح جهان، با وجود پراگندگی و دشواری‌ها، در تلاش اند تا خط انقلابی پرولتاریایی را احیا نموده و در برابر رویزیونیزم و تسلیم‌طلبی ایستادگی نمایند. تجارب مبارزاتی در برخی کشورها نشان می‌دهد که بدون اتکا بر توده‌ها و بدون خط ایدئولوژیک درست، هیچ تحول بنیادی ممکن نیست.

در سطح منطقه، خاورمیانه و حوزه پیرامونی آن به یکی از کانون‌های اساسی کشمکش‌های امپریالیستی مبدل گردیده است. تنش‌ها و درگیری‌ها میان جمهوری اسلامی ایران، دولت اسرائیل و ایالات متحده، انعکاس فشرده همین تضادهاست. این جنگ‌ها و تقابل‌ها، علی‌رغم ظاهر متفاوت‌شان، در ماهیت خویش رقابت نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی برای گسترش نفوذ و تحکیم سلطه می‌باشد. توده‌های زحمتکش منطقه، از ایران گرفته تا فلسطین و سایر کشورها، قربانیان اصلی این کشمکش‌ها اند. از دیدگاه پرولتاریایی، هیچ‌یک از این قطب‌ها نماینده منافع خلق‌ها نبوده و دنباله‌روی از هر کدام، انحراف از خط مستقل طبقاتی به‌شمار می‌رود.

در افغانستان، جامعه نیمه‌مستعمره و نیمه‌فئودالی ما در یکی از دشوارترین مراحل تاریخی خویش قرار دارد. فقر گسترده، بیکاری، مهاجرت اجباری، و فروپاشی زیربنای اقتصادی، زندگی میلیون‌ها زحمتکش را به‌تنگ آورده است. در عین حال، سلطه نیروهای ارتجاعی، در پیوند با فشارها و مداخلات امپریالیستی، به بازتولید عقب‌ماندگی اقتصادی و انقیاد فکری دامن می‌زند.

در عرصه معارف، محروم‌سازی دختران از مکاتب متوسطه و لیس، یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های این ارتجاعیت است. این سیاست، نه تنها نقض حق ابتدایی آموزش، بلکه تلاشی است برای کنار زدن نیمی از جامعه از روند رشد آگاهی و مشارکت اجتماعی. همچنان، جهت‌گیری نصاب تعلیمی در بخش‌هایی از نظام معارف، به‌گونه‌ای است که بیشتر به تولید ملا، شیخ، مولوی و حافظ قرآن-جدا از نیازهای علمی و مادی جامعه-می‌انجامد. این روند، به‌جای پرورش تفکر انتقادی و علمی، به بازتولید ذهنیت‌های قالبی و اطاعت‌پذیر کمک می‌کند و در خدمت تحکیم سلطه ایدئولوژیک طبقات حاکم قرار می‌گیرد.

از دیدگاه مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم، معارف و فرهنگ عرصه بی‌طرف نیستند؛ بلکه میدان مشخص مبارزه طبقاتی‌اند. یا در خدمت حفظ نظم کهنه قرار می‌گیرند، یا به ابزار رهایی و آگاهی

توده‌ها مبدل می‌شوند. آنچه امروز در افغانستان جریان دارد، بیان حاکمیت خط ارتجاعی در عرصهٔ ایدئولوژیک است که با جلوگیری از رشد شعور طبقاتی، زمینهٔ تداوم سلطه را فراهم می‌سازد. در برابر این وضعیت، وظیفهٔ اساسی پرولتاریا و نیروهای پیشرو، سازماندهی، بسیج و ارتقای سطح آگاهی توده‌ها است. بدون ایجاد تشکیلات انقلابی و بدون پیشبرد مبارزهٔ همه‌جانبه-سیاسی، ایدئولوژیک و فرهنگی-هیچ دگرگونی واقعی ممکن نخواهد بود. تنها از مسیر انقلاب دموکراتیک نوین، تحت رهبری پرولتاریا، می‌توان بساط امپریالیسم و ارتجاع را برچید و زمینهٔ گذار به سوسیالیسم را فراهم ساخت.

اول ماه می، روز تجدید تعهد به همین وظیفهٔ تاریخی است-تعهد به مبارزهٔ پیگیر، آگاهانه و انقلابی در راه رهایی زحمتکشان.

زنده باد اول ماه می  
زنده باد مارکسیسم-لنینیسم-مائوئیسم  
زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی پرولتاریا  
مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع